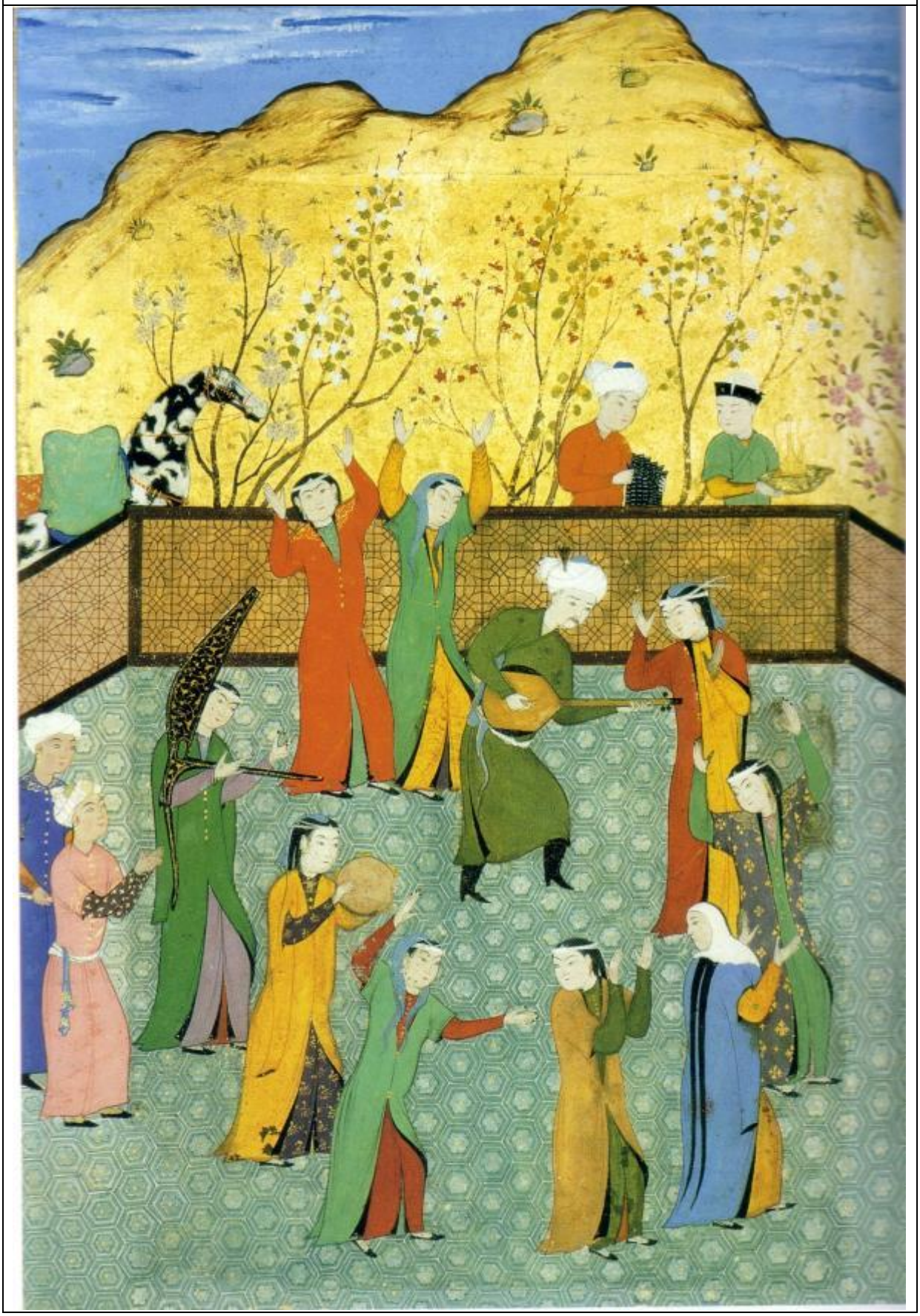

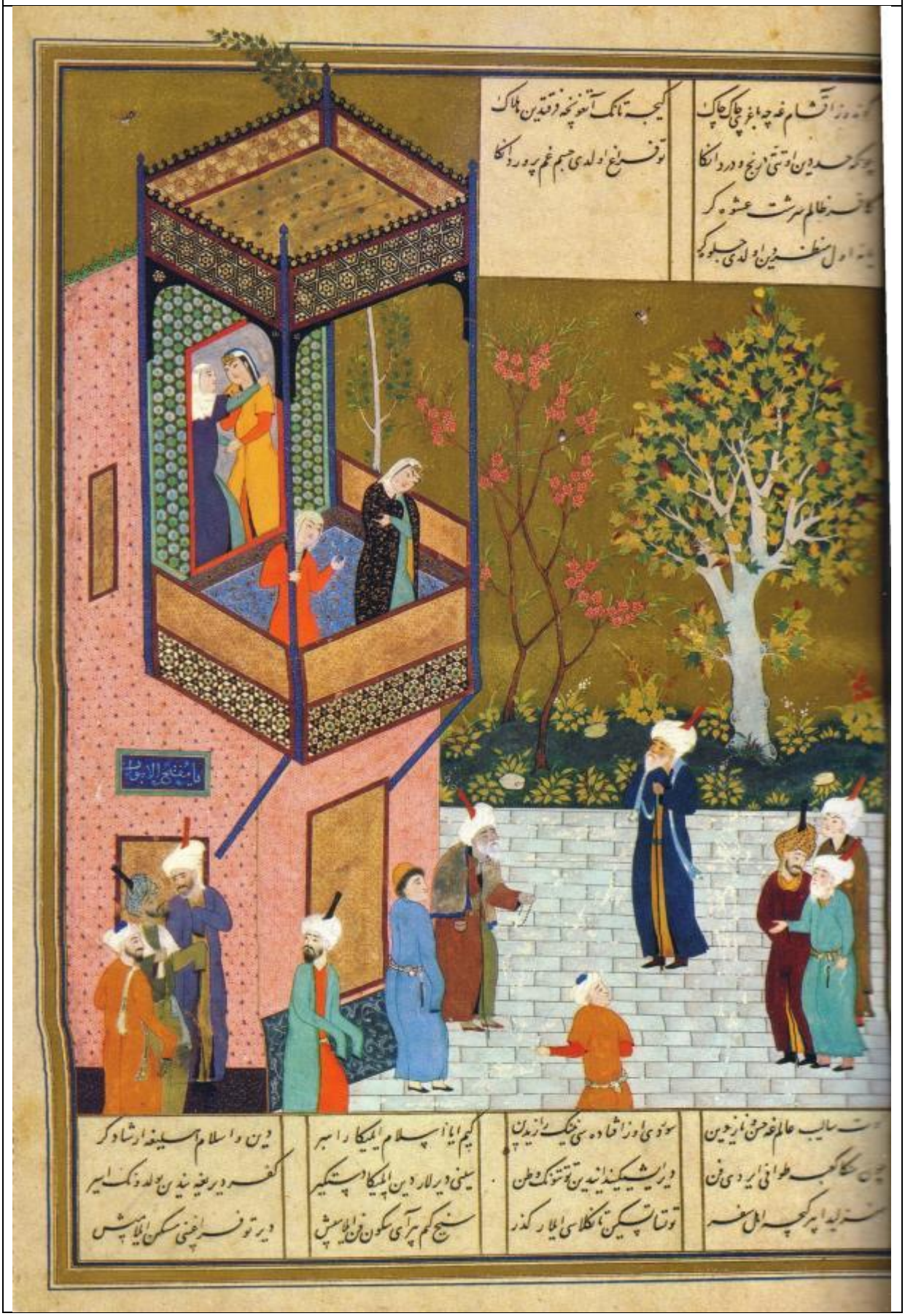

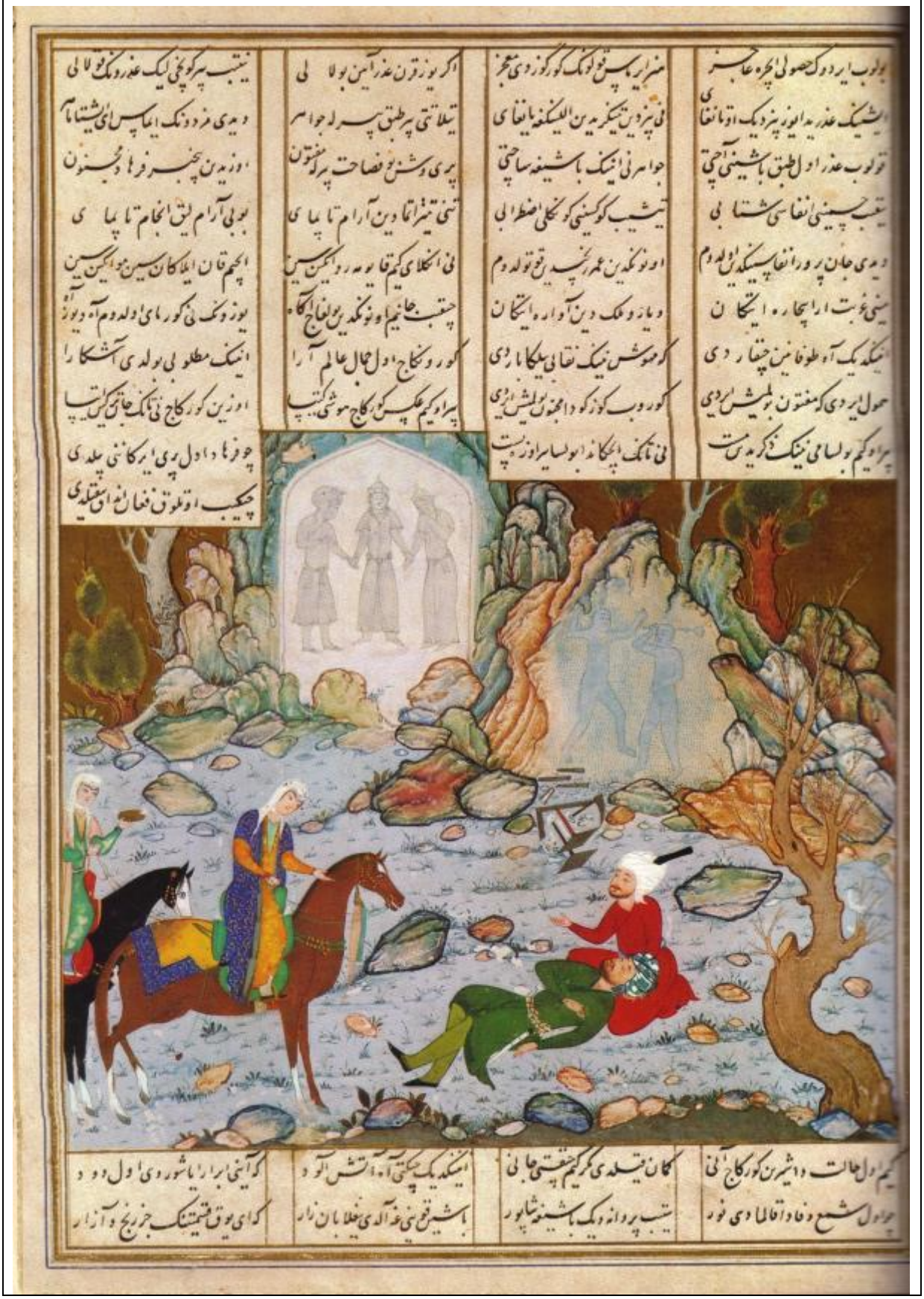

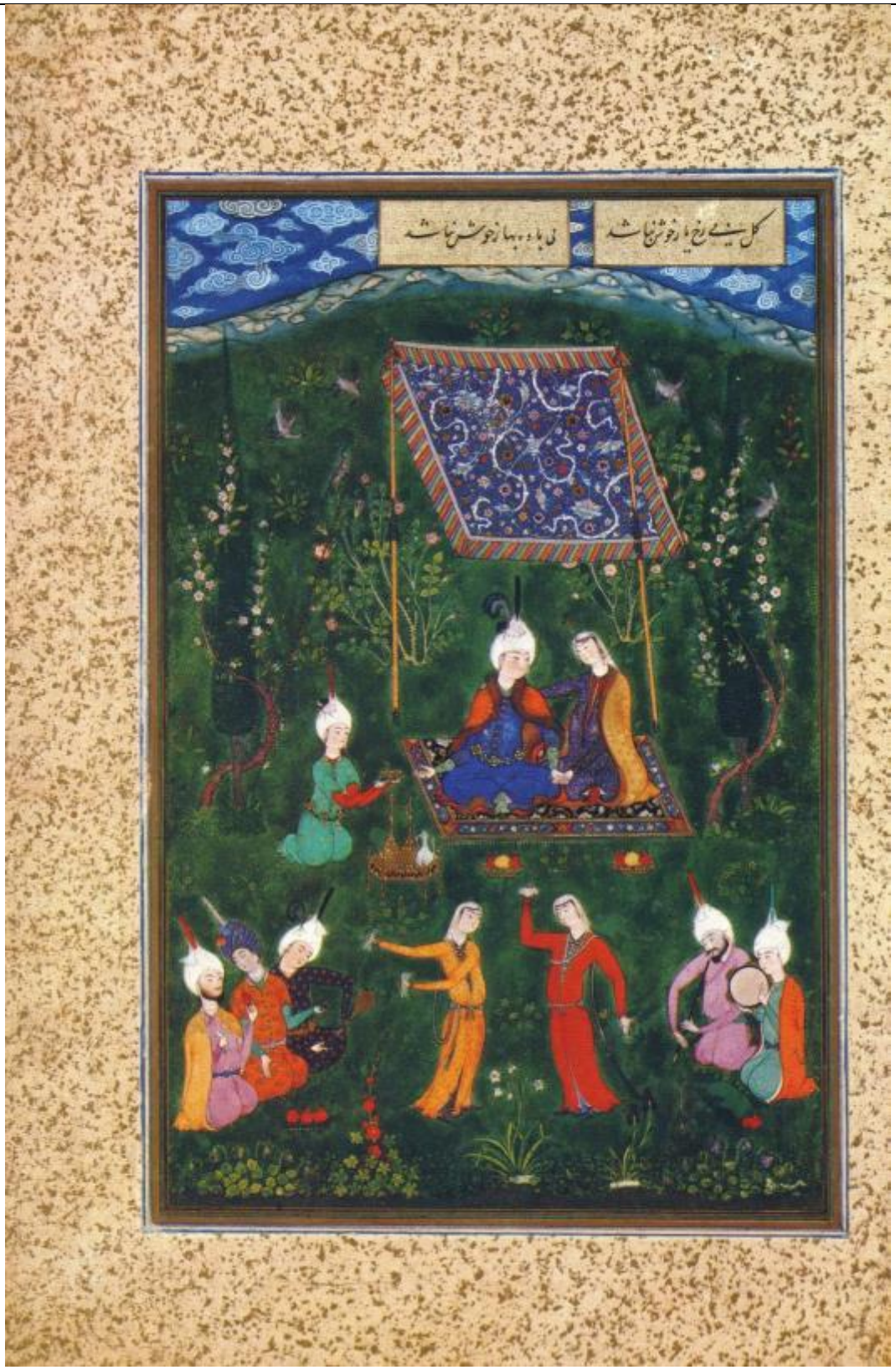
گل بی‌مے رخ یار خوش نباشد
می باده بهار خوش نباشد

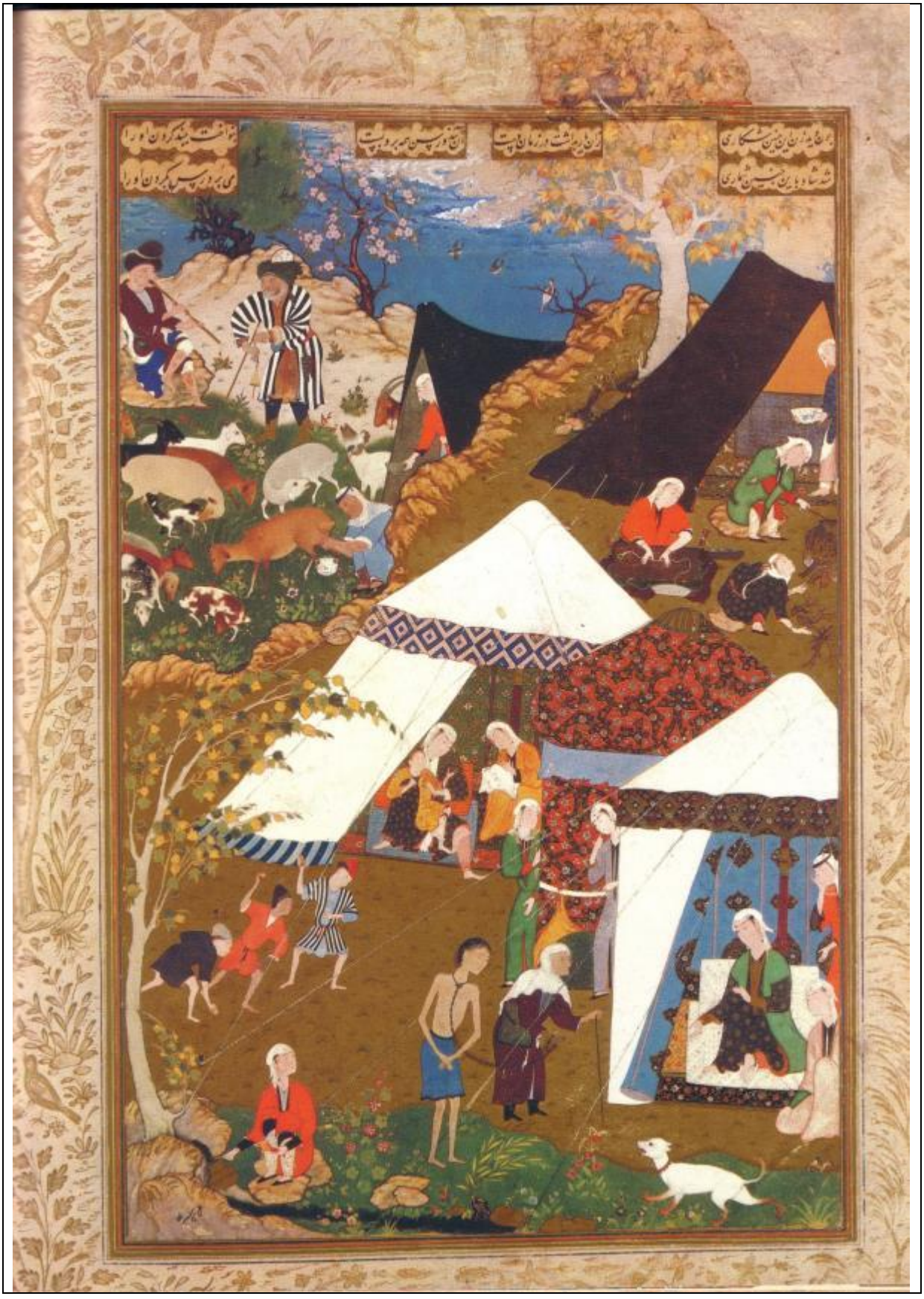

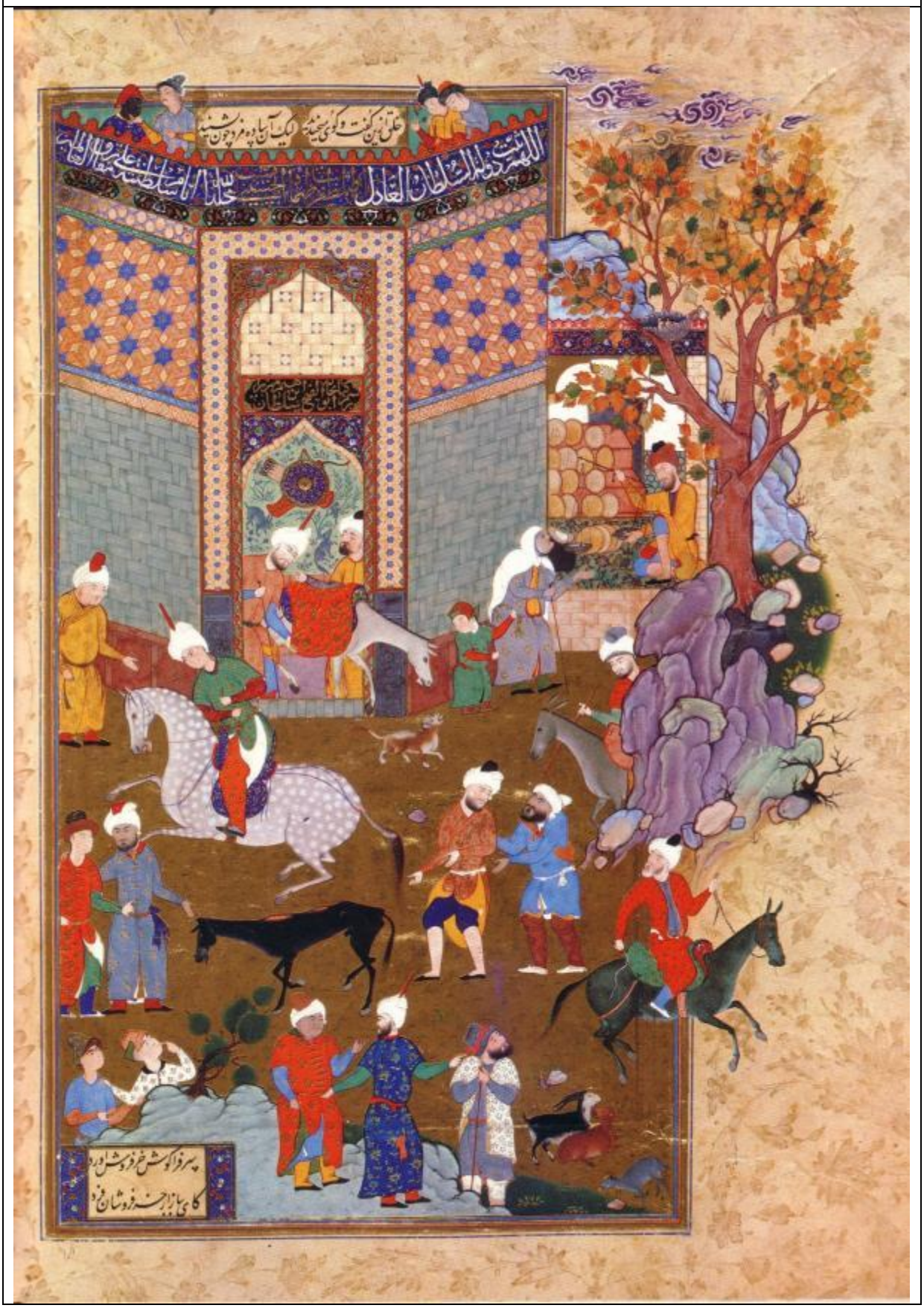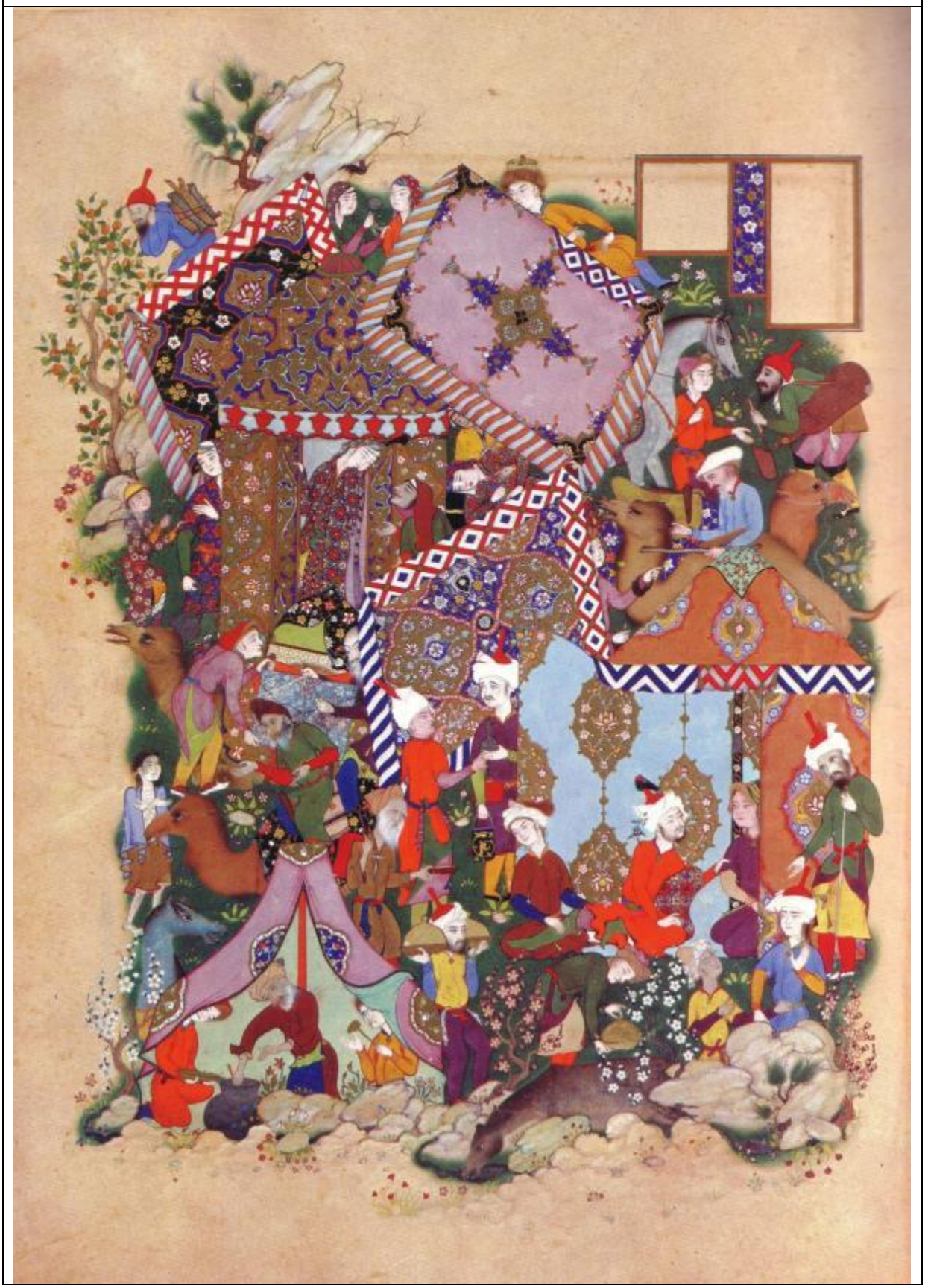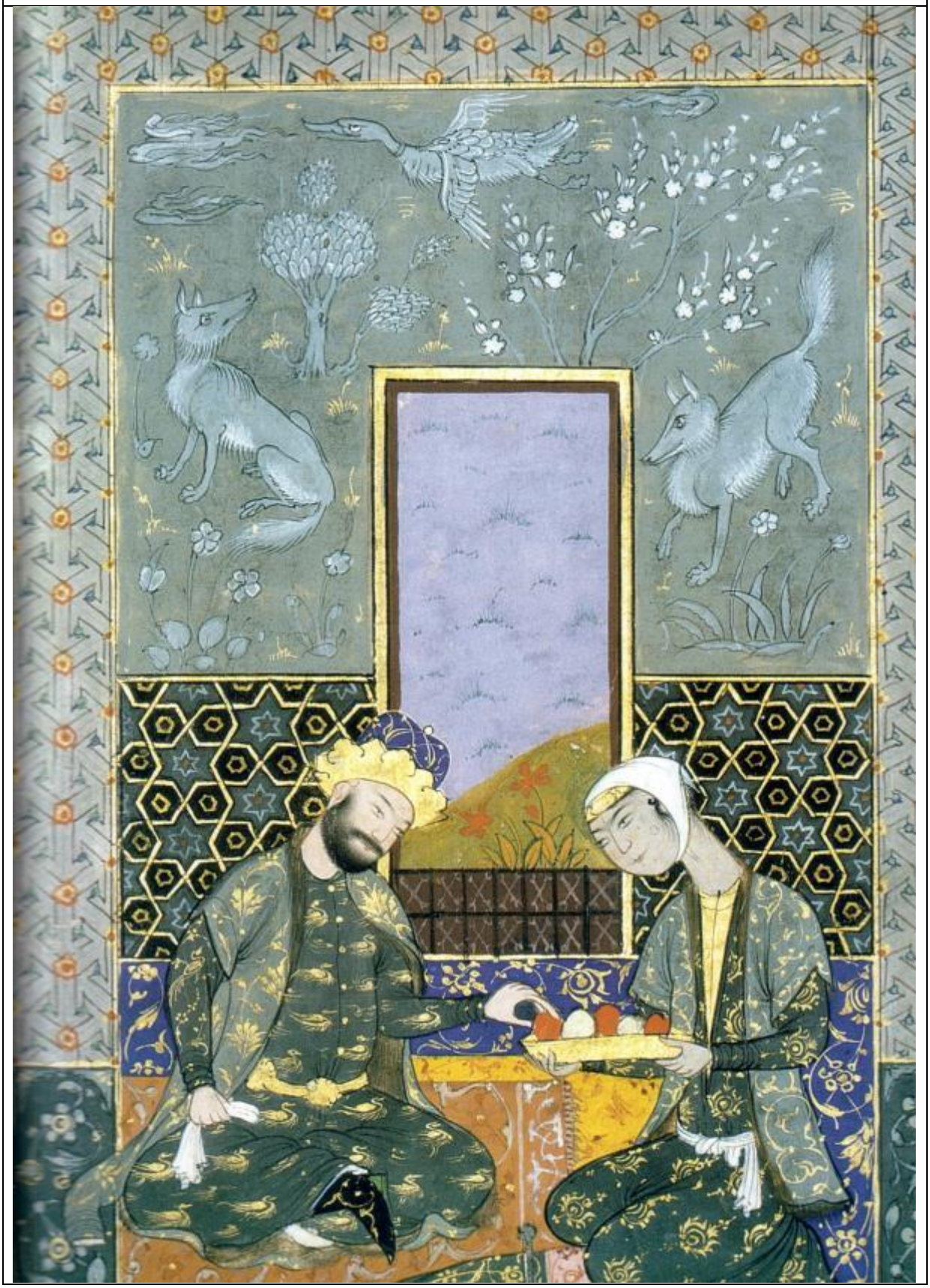
خلق ازین گفت و گوی میخندید
لیک آن ساده مرد چون بشنید
اللهم ثبت دولة السلطان العادل
سر فرا گوش خر فروش آورد
کای بیازار خر فروشان فرد